

بررسی نقش اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در توسعه صنعت دامپروری

مهدی شعبان‌زاده^۱، ناصر شاهنوشی*^۲، محمود دانشور^۱، محمد قربانی^۱، مجتبی مجاوریان^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۰۷

چکیده

حمایت از ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی بیشتر کشورهاست. با این وجود بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی در ایران با بحث‌های فراوانی از سوی موافقان و مخالفان آن در مورد میزان اثربخشی آن روبرو بوده است. با توجه به این موضوع، این مطالعه با رویکرد ارزیابی عملکرد بنگاه‌های زودبازده و بررسی تاثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، میزان دسترسی به اهداف پیش‌بینی شده در این طرح‌ها در زمینه اشتغال پایدار، سرمایه‌گذاری و بهبود سودآوری را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. جهت بررسی این موضوع، بنگاه‌های دریافت‌کننده اعتبارات زودبازده در بخش دامپروری شهرستان بابل طی سال ۱۳۸۶ از طریق سرشماری انتخاب (۵۰ طرح) و با گروهی دیگر از بنگاه‌ها که از اعتبارات بنگاه‌های زودبازده استفاده نکرده‌اند (۲۴ طرح)، با استفاده از روش جورسازی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد اگر چه میزان انحراف مالی و اشتغال در نمونه مورد بررسی بسیار پایین بوده است، ولی تعداد زیادی از بنگاه‌های به بهره‌برداری رسیده در این بخش، طی دو یا سه سال اول فعالیت خود تعطیل شده‌اند. همچنین بررسی نتایج در میان بنگاه‌های در حال فعالیت نشان داد اگر چه این اعتبارات تاثیر مثبت بر اشتغال داشته و سبب ایجاد سرمایه‌گذاری جدید در این بخش شده است، اما این اثرات در بلندمدت پایدار نبوده و اشتغال و سرمایه‌گذاری در میان این بنگاه‌ها در طی این دوره به شدت کاهش یافته است. با توجه به نتایج این مطالعه، تعیین دوره تنفس مناسب و تامین سرمایه در گردش دامداران، طی سال‌های آتی از طریق تاسیس بانک‌های تخصصی در زمینه اعتبارات خرد و همچنین ایجاد ثبات در بازار نهاده و محصول پیشنهاد شده است.

طبقه‌بندی *JEL*: M51, H32, O16, C78.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، اعتبارات بنگاه‌های کوچک و متوسط، سرمایه‌گذاری، روش جورسازی.

۱- به ترتیب دانشجوی کارشناسی ارشد و دانشیاران اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد.

پیشگفتار

بحران بیکاری طی سال‌های اخیر یکی از چالش‌های اساسی در ایران بوده است. برای حل این چالش، طی دوره‌های مختلف برنامه‌های گوناگونی اجرا گردیده که از مهم‌ترین آن می‌توان به طرح وام‌های خوداشتغالی در اوایل دهه ۷۰ و همچنین طرح ضربتی اشتغال در سال ۱۳۸۱ اشاره نمود. با این وجود این طرح‌ها نتوانستند اهداف مورد نظر در این زمینه را به طور کامل محقق ساخته و بعد از مدت کوتاهی از اجرای شان متوقف شده‌اند (دهقان دهنوی، ۱۳۸۵). با این وجود در سال ۱۳۸۴ جهت مبارزه با بحران بیکاری یکی از بزرگترین طرح‌های اشتغال‌زایی در ایران تحت عنوان طرح بنگاه‌های زودبازده مطرح و با اعتبار اولیه حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان با هدف ایجاد یک میلیون و دویست هزار فرصت شغلی جدید به اجرا درآمد. این طرح با توجه به تجربه موفق کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ویژه در شرق و جنوب شرق آسیا، مورد اقبال فراوان قرار گرفت. مجریان این طرح معتقد بودند بنگاه‌های اقتصادی کوچک، بیشترین قابلیت را برای ایجاد اشتغال مولد و سازنده و هدایت قشر جوان جامعه به سوی فعالیت‌های تولیدی دارا می‌باشند. آن‌ها مهمترین دلیل برای اثبات این مساله را آمار کارگاه‌های صنعتی کشور می‌دانستند که بر اساس آن سهم بنگاه‌های اقتصادی کوچک از کل اشتغال صنعتی همواره بیش از ۴۵ درصد بوده است (ادراکی، ۱۳۸۶). به این معنی که اشتغالی که بنگاه‌های اقتصادی کوچک به ازای هر واحد سرمایه ثابت ایجاد کرده‌اند، همواره بیشتر از صنایع بزرگ بوده است. آن‌ها همچنین معتقد بودند که بنگاه‌های اقتصادی کوچک نقش مهمی در جذب سرمایه‌های محدود و پراکنده موجود در جامعه و هدایت آنها به سمت فعالیت‌های تولیدی و صنعتی کشور ایفا خواهد نمود. همچنین بنگاه‌های اقتصادی کوچک، نقش حلقه‌های ارتباطی بین مصرف‌کنندگان محصولات تولیدی و صنایع بزرگ را ایفا نموده، بهترین بستر برای تربیت مدیران و نیروهای انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز صنایع بزرگ بوده، جوانان فعال، پر انرژی، دارای روحیه خلاق را وارد صحنه‌های رقابت و تولید خواهد نمود و به کمک آن‌ها بیشترین خلاقیت و نوآوری‌های صنعتی و تحقیقات کاربردی را در جهت تنوع بخشیدن به تولیدات و حضور بیشتر در بازارهای جهانی ایجاد خواهند کرد (دهقان دهنوی، ۱۳۸۵). از طرف دیگر برخلاف موافقان، منتقدان این طرح‌ها با سپری شدن مدتی از زمان آغاز طرح معتقدند بودند این طرح‌ها با انحرافات فراوان روبرو بوده است. به گونه‌ای که این انحرافات عامل اصلی در عدم موفقیت این بنگاه‌ها در رسیدن به اهداف مورد نظر بوده است. با این وجود درباره انحراف تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های زود بازده روایات متعدد و متعارضی عنوان شده است. به طوری که گزارش بانک مرکزی میزان انحراف تسهیلات بنگاه‌های زود بازده را ۳۸ درصد، سازمان بازرسی کل کشور انحراف بنگاه‌های زود بازده را ۲۵ درصد و گزارش مرکز پژوهش‌های

مجلس انحراف مالی این طرح را ۸/۳ و نسبت اشتغال محقق شده به اشتغال تعهد شده در این بنگاه‌ها را برابر ۴۸/۲ اعلام کرده است. همچنین مخالفان معتقدند این طرح‌ها اثر تورمی داشته است. به عبارت دیگر اگرچه سیاست‌های انبساطی پولی از طریق تسهیلات بانکی به تنهایی خود عامل تورم‌زا به شمار می‌رود، انحراف در تسهیلات زودبازده و عدم سرمایه‌گذاری واقعی در تولید آثار تورمی را شدیدتر نموده و موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده است. همچنین منتقدان معتقدند که این طرح‌ها فاقد ارزیابی و امکان‌سنجی دقیق بوده است. به عبارت دیگر تعداد زیاد این طرح‌ها امکان ارزیابی اقتصادی، تجاری و مالی دقیق را از بین برده است (دهقان دهنوی، ۱۳۸۵). در زمینه تاثیر اعتبارات بر روی متغیرهای کلان اقتصادی، مطالعات متعددی تاکنون انجام شده است. بختیاری و پاسبان (۱۳۸۳)، نقش اعتبارات بانک کشاورزی در توسعه فرصت‌های شغلی را بررسی کردند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه‌مدت بر اشتغال و در درازمدت بر سرمایه‌گذاری تاثیر مثبت داشته است.

یعقوبی (۱۳۸۴)، اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان را بررسی نموده است. نتایج حاصله از این مطالعه نشان داد اعتبارات خرد پرداخت شده در زمینه اشتغال بیشترین تاثیر را در تثبیت شغل قبلی زنان دریافت کننده وام داشته است.

فیض‌پور و پوش‌دوزباشی (۱۳۸۷)، به شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی با رشد سریع و تعیین سهم آنها در ایجاد اشتغال در برنامه دوم توسعه اقتصادی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بیش از نیمی از اشتغال ایجاد شده طی دوره مورد بررسی توسط درصد اندکی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع صورت گرفته است.

دیواندری و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه خود به ارزیابی اثربخشی طرح بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین توسعه‌ای در استان تهران پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد اجرای طرح بنگاه‌های زود بازده و کارآفرین در کسب و کارهای توسعه‌ای منجر به افزایش اشتغال‌زایی، رشد فروش، سودآوری و جذب مشتری نسبت به قبل از دریافت تسهیلات شده است.

برگس و پاند (۲۰۰۲)، در مطالعه خود تاثیر افزایش شعبه‌های بانک بر توسعه روستایی کشور هند را بررسی نمودند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد این شعبه‌ها منجر به تغییر ساختار تولید و اشتغال و در نهایت کاهش فقر شده است.

پتريک (۲۰۰۴)، سیاست‌های تشویقی دولت هلند در زمینه دسترسی به اعتبارات سوبسیدی، و تاثیر آن بر رفتار سرمایه‌گذاری کشاورزان را بررسی نمود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد اگرچه دسترسی به اعتبارات سوبسیدی نقش مهمی در تعیین رفتار سرمایه‌گذاری کشاورزان ایفا می‌کند، اما بخشی از اعتبارات برای اهداف دیگر به جز سرمایه‌گذاری به کار گرفته شده است.

برون و همکاران (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد بنگاه‌های کوچک در رومانی پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه آن‌ها نشان داد اعتبارات مهمترین فاکتور در تشویق و راه‌اندازی بنگاه‌های کوچک بوده و نقش فراوانی در اشتغال و فروش بنگاه‌های کوچک ایفا می‌کند. ایوزیان و سنتور (۲۰۰۸)، تاثیر برنامه اعتباری بانک جهانی بر روی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور سریلانکا را بررسی کردند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد برنامه اعتباری بانک جهانی سبب کاهش محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها شده و سطوح سرمایه‌گذاری آن‌ها را افزایش داده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مطالعات مختلف حکایت از تاثیر مثبت اعتبارات بر متغیرهای کلان اقتصادی به ویژه اشتغال و سرمایه‌گذاری دارد. با این وجود همان‌گونه که در قسمت‌های قبل نیز اشاره شد، طرح اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در ایران دارای موافقان و مخالفان فراوانی بوده و هر کدام از این دو گروه دلایلی مبنی بر موفقیت و یا عدم موفقیت آن ذکر نموده و آمارهای منابع رسمی نیز از میزان موفقیت این اعتبارات مغشوش و گاهی متناقض بوده است. با توجه به اهمیت مساله و دیدگاه‌های متفاوت از میزان موفقیت این طرح‌ها، رویکرد اصلی این مطالعه ارزیابی عملکرد بنگاه‌های زودبازده و یا به عبارت دیگر بررسی میزان انحراف و میزان دسترسی به اهداف پیش‌بینی شده در زمینه اشتغال پایدار، سرمایه‌گذاری و بهبود سودآوری در صنعت دامپروری شهرستان بابل^۱ می‌باشد.

مواد و روش‌ها

در حالت معمول در اکثر مطالعات انجام شده در زمینه اعتبارات که به بخشی از آن‌ها در قسمت قبل اشاره شد، از روش‌های معمول اقتصادسنجی استفاده شده است. ولی این روش‌ها نمی‌توانند روش مناسبی برای این امر به حساب آیند. به عبارت دیگر به علت وجود پدیده خودگرزینی^۲ چنین برآوردهایی از اعتبار لازم برخوردار نبوده و باعث ایجاد تورش‌های اساسی در نتایج خواهند شد. برای جلوگیری از این مساله روبین (۱۹۷۳) روش جورسازی^۳ را معرفی نمود. این روش اگر چه در ابتدا برای داده‌های گمشده^۴ معرفی شد، اما بعد از مدت کوتاهی کاربرد آن افزایش

۱- از آن جا که شهرستان بابل رتبه نخست را در زمینه معرفی طرح‌های زودبازده در بخش کشاورزی استان مازندران دارا بوده، از میان شهرستان‌های مختلف استان مازندران این شهرستان انتخاب و به دلیل آن که حجم بیشتر طرح‌های بهره‌برداري رسیده در بخش کشاورزی این شهرستان را فعالیت دامپروری تشکیل داده، این فعالیت انتخاب و اثرات اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در این صنعت مورد بررسی قرار گرفته است.

یافت. به طوری که امروزه این روش به فراوانی برای ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. انجام روش جورسازی بسیار آسان و نتایج آن نیز به آسانی از طریق برآورد اثرات درمانی^۱ قابل تفسیر می‌باشد.^۲

در این مطالعه جهت بررسی نقش اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در توسعه صنعت دامپروری، در ابتدا و قبل از استفاده از روش جورسازی، میزان انحرافات مالی و اشتغال در بنگاه‌های دریافت کننده اعتبارات با استفاده از روش بانک مرکزی (از طریق مراجعه حضوری) مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی میزان انحرافات، به منظور بررسی تاثیر اعتبارات بنگاه‌های زودبازده بر عملکرد بنگاه‌های در حال فعالیت، بنگاه‌های دریافت کننده این اعتبارات که دارای انحراف نبوده و در حال فعالیت می‌باشند، به عنوان بنگاه‌های گروه درمان^۳ در نظر گرفته شده‌اند. در این قسمت جهت بررسی اثرات اعتبارات بر عملکرد این گروه از بنگاه‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت از روش جورسازی استفاده شده است. در استفاده از این روش لازم است بنگاه‌های گروه درمان با بنگاه‌هایی مقایسه شوند که تا حد امکان شبیه به آن‌ها و یا به اصطلاح دو گروه کاملاً همگن باشند. بنابراین گروهی دیگر از بنگاه‌ها به عنوان بنگاه‌های گروه کنترل^۴ معرفی شده‌اند. تنها تفاوت این گروه از بنگاه‌ها با بنگاه‌های گروه درمان، عدم استفاده آن‌ها از اعتبارات بنگاه‌های زودبازده می‌باشد. همچنین اثرات اعطای اعتبارات بنگاه‌های زودبازده به دو صورت اثرات مستقیم^۵ (ATT) و اثرات غیرمستقیم^۶ (ATC) در نظر گرفته شده است. اثرات مستقیم، اثراتی است که اعطای وام بر رفتار بنگاه‌های دریافت کننده این اعتبارات داشته است. اثرات غیرمستقیم نیز به عنوان اثرات اعطای وام بر رفتار بنگاه‌های گروه کنترل و یا به عبارتی به عنوان اثرات اعطای وام بر بنگاه‌هایی که از این اعتبارات استفاده نکرده‌اند، تعریف شده است.

برای اندازه‌گیری اثرات مستقیم و غیرمستقیم، نیاز به تعریف متغیرهایی بنام متغیرهای مورد علاقه می‌باشد. متغیرهای مورد علاقه، معیاری برای اندازه‌گیری عملکرد و یا به عبارت دیگر میزان موفقیت بنگاه‌های دریافت کننده اعتبارات زودبازده در فعالیت مورد نظر می‌باشد. این متغیرها در فعالیت دامپروری، در سال ۸۶ شامل متغیرهای سطح اشتغال، سودآوری، موجودی سرمایه و هزینه واسطه بنگاه‌ها و در دوره ۸۸-۸۶ به منظور اندازه‌گیری رشد بلندمدت بنگاه‌های

1-Treatment Effects

۲- جهت دستیابی به اطلاعات بیشتر در زمینه پدیده خودگزینشی و همچنین روش جورسازی و انواع آن به مطالعات روبین (۱۹۷۴، ۱۹۷۷، ۱۹۹۰، ۱۹۷۸)، روزنوم و روبین (۱۹۸۳) و دهجیا و وهبا (۲۰۰۲) مراجعه شود.

3-Treat Group

4-Control Group

5- Average Treatment Effect for the Treated

6- Average Treatment Effects for the control

گروه درمان به عنوان رشد اشتغال، رشد موجودی سرمایه و رشد سودآوری تعریف شده‌اند. برای آن که بتوان اثرات مستقیم و غیر مستقیم اعتبارات بنگاه‌های زودبازده را از طریق متغیرهای مورد علاقه در سال دریافت وام و طی دوره ۸۸-۸۶ در میان بنگاه‌های گروه درمان و کنترل اندازه‌گیری نمود، نیاز به تعریف متغیرهایی با عنوان متغیرهای همگن‌ساز و یا در اصطلاح روش جورسازی متغیرهای کمکی^۱ (X) می‌باشد. این متغیرهای کمکی، جهت پیدا نمودن بنگاه‌های مشابه برای بنگاه‌های گروه درمان از میان بنگاه‌های گروه کنترل در نظر گرفته شده و شامل دو متغیر تعداد دام مربوط به هر بنگاه و موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار بنگاه‌ها بوده است. برای آن که برآورد متغیرهای مورد علاقه جهت محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم از اعتبار لازم برخوردار باشد، لازم است توازن^۲ متغیرهای کمکی قبل و بعد از جورسازی مورد بررسی قرار گیرد. در حقیقت، انجام عمل جورسازی به کمک متغیرهای کمکی دو گروه درمان و کنترل همگن ایجاد می‌کند که میزان همگنی آن‌ها مرتبط با توازن متغیرهای کمکی می‌باشد. جهت انجام توازن مناسب متغیرهای کمکی و پیدا نمودن توازن بهینه، در ادبیات جورسازی روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است. در این مطالعه با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد جورسازی ژنتیک^۳، از این روش جهت پیدا نمودن توازن بهینه متغیرهای کمکی و برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم استفاده شده است. کلیه مراحل بالا اعم از بررسی توازن و همچنین برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهای مورد علاقه، با استفاده از بسته Matching و با استفاده از نرم افزار R2.11.1 انجام شده است.

جمع‌آوری اطلاعات

جهت رسیدن به اهداف مورد نظر در این مطالعه، دو گروه از بنگاه‌ها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گروهی که از محل اعتبارات زود بازده وام دریافت کرده بودند (گروه درمان). و گروهی که از این محل وام دریافت نکرده‌اند (گروه کنترل). از آن‌جا که تعداد بنگاه‌های گروه درمان زیاد نبوده است، برای جمع‌آوری اطلاعات، تمام واحدهای به بهره‌برداری رسیده در این بخش که اطلاعات آن‌ها در دسترس و حاضر به مصاحبه بوده‌اند، مورد سرشماری قرار گرفته‌اند. انتخاب نمونه در بنگاه‌های گروه کنترل نیز با توجه به مدل مورد استفاده در مطالعه می‌تواند بیشتر، برابر و یا کمتر از بنگاه‌های گروه درمان باشد که در این مطالعه ۲۴ بنگاه در نظر گرفته شده است. بنابراین کل نمونه مورد بررسی شامل ۷۴ بنگاه می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این مطالعه نیز به دو طریق انجام شده است. بخشی از اطلاعات مورد نیاز از طریق اسنادی و پیمایش

1- Covariates

2- Balance

3- Genetic Matching

اسنادی از سازمان‌های مرتبط با انجام این طرح‌ها در استان مازندران از جمله اداره کار و امور اجتماعی و سازمان جهاد کشاورزی و بخش دیگری از اطلاعات مورد نیاز که دسترسی به آن‌ها از طریق این نهادها امکان پذیر نبوده از طریق پیمایشی و تکمیل پرسشنامه در دو گروه از این بنگاه‌ها جمع‌آوری شده است.

نتایج و بحث

انحراف مالی و اشتغال در فعالیت دامپروری

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، به منظور بررسی میزان اثربخشی اعتبارات بنگاه‌های زودباده در بخش دامپروری شهرستان بابل، ۵۰ بنگاه از میان بنگاه‌های به بهره برداری رسیده در این بخش انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. حجم کل مبلغ پرداختی به بنگاه‌های مورد مطالعه ۴۱۹ میلیون تومان و میانگین پرداختی به هر دامدار ۸۳۸۰۰۰۰ تومان بوده است. همچنین میزان اشتغال تعهد شده در کل نمونه مورد بررسی ۵۰ نفر بوده است (یک نفر به ازای هر واحد). بررسی حجم مبالغ پرداختی به این بنگاه‌ها نشان می‌دهد که میزان انحرافات مالی در فعالیت دامپروری بسیار پایین بوده است. به گونه‌ای که انحرافات مالی و یا به عبارت دیگر عدم هزینه اعتبارات دریافتی در محل مورد نظر در فعالیت دامپروری تنها ۶ درصد بوده است. با این وجود ۳۱ درصد اعتبارات پرداختی در فعالیت دام به بنگاه‌هایی تعلق گرفته که بعد از یک یا دو سال فعالیت تعطیل شده‌اند. همچنین نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد، میزان انحراف از اشتغال در فعالیت دامپروری ۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر میزان اشتغال تعهد شده در ۶ درصد از بنگاه‌های دریافت کننده این اعتبارات، به علت خروج منابع دریافتی از بنگاه‌های مورد نظر تحقق نشده است. از طرف دیگر، نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از اشتغال ایجاد شده از محل این اعتبارات در فعالیت دام در سال اول و دوم فعالیت بنگاه‌ها به علت تعطیلی بنگاه‌ها از بین رفته است. بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود اگر چه ارزیابی‌های اولیه، میزان انحرافات مالی و اشتغال در طرح‌های مورد بررسی در فعالیت دامپروری را پایین نشان می‌دهد. ولی بخش قابل توجهی از بنگاه‌های به بهره‌برداری رسیده در این بخش در سال اول و دوم فعالیت خود تعطیل شده‌اند.

اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در فعالیت دامپروری

در قسمت قبل میزان انحراف مالی و اشتغال در میان کل بنگاه‌های دریافت کننده اعتبارات بنگاه‌های زودباده مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در بنگاه‌های در حال فعالیت در بخش دامپروری مورد بررسی قرار گرفته است. برای آن که برآورد اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت (اثرات درمانی) با استفاده از روش جورسازی از اعتبار لازم برخوردار باشد، لازم است توازن متغیرهای کمکی قبل از برآورد اثرات درمانی مورد

بررسی قرار گیرد. جدول ۱ نتایج حاصل از این بررسی را نشان می‌دهد. این جدول از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول جدول نتایج حاصل از توازن متغیرهای کمکی به منظور برآورد اثرات مستقیم و یا به عبارت دیگر ATT و قسمت دوم آن نتایج حاصل از توازن متغیرهای کمکی به منظور برآورد اثرات غیرمستقیم و یا همان ATC را نشان می‌دهد. همچنین در این جدول برای هر متغیر دو ستون وجود دارد که ستون اول آماره‌های تعادل را قبل از عمل جورسازی و ستون دوم آماره‌های تعادل را بعد از عمل جورسازی نشان می‌دهد. نتایج حاصل از بررسی توازن متغیرهای کمکی به منظور برآورد اثرات درمانی بیانگر آن است که بنگاه‌های موجود در گروه درمان از تعداد دام و موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار بالاتری نسبت به گروه کنترل برخوردار بوده‌اند. با این وجود با انجام عمل جورسازی، تفاوت بین دو گروه کاهش یافته است. به طوری که برای متغیر تعداد دام تفاوت بین میانگین دو گروه از ۱/۵ راس دام قبل از جورسازی به ۰/۱ راس دام بعد از جورسازی کاهش پیدا کرده است. این کاهش به وسیله آماره تفاضل استاندارد^۱ و آماره t این متغیر نیز تایید شده است. به گونه‌ای که آماره تفاضل استاندارد از ۱۸/۴۶ قبل از عمل جورسازی، به ۶/۰۲ بعد از عمل جورسازی کاهش یافته و آماره t نیز تفاوت معنی‌دار بین میانگین دو گروه را نشان نمی‌دهد. نتایج حاصل از بررسی توازن برای متغیر موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار نیز حکایت از کاهش تفاوت میان دو گروه دارد. به گونه‌ای که تفاوت در میانگین موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار در دو گروه از ۵۰۶۲۵۰ تومان قبل از جورسازی به ۴۳۷۵۰ تومان بعد از جورسازی کاهش پیدا کرده است. این کاهش در تفاوت میانگین بین دو گروه و بهبود توازن توسط آماره تفاضل استاندارد این متغیر نیز تایید شده و آماره t نیز تفاوت معنی‌دار در میانگین بین دو گروه را نشان نمی‌دهد. بنابراین نتایج حاصل از بررسی توازن متغیرهای کمکی کاهش تفاوت بین دو گروه به منظور برآورد ATT را تایید می‌کنند. نتایج حاصل از بررسی توازن برای محاسبه ATC نیز مشابه نتایج توازن برای محاسبه ATT می‌باشد. همانند قسمت قبل، نتایج حاصل از بررسی توازن برای متغیر تعداد دام حاکی از کاهش تفاوت در میانگین بین دو گروه دارد. به طوری که تفاوت در میانگین بین دو گروه برای این متغیر از ۱/۵ راس دام قبل از جورسازی به ۰/۲ راس دام بعد از جورسازی کاهش یافته است. این مساله توسط آماره تفاضل استاندارد این متغیر تایید و آماره t نیز برای این متغیر تفاوت معنی‌دار در میانگین دو گروه را نشان نمی‌دهد. نتایج توازن برای متغیر موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار نیز حکایت از بهبود توازن و کاهش تفاوت در میانگین بین دو گروه دارد. به طوری که برای این متغیر تفاوت در میانگین بین دو گروه از ۵۰۶۲۵۰ تومان قبل از جورسازی به ۶۶۶۶۷ تومان بعد از جورسازی

کاهش پیدا کرده است. آماره تفاضل استاندارد نیز با تایید این کاهش حکایت از توازن مناسب این متغیر دارد. همچنین آماره t مربوط به این متغیر نیز، تفاوت معنی دار در میانگین دو گروه را نشان نمی دهد. بنابراین می توان گفت، نتایج حاصل از بررسی توازن متغیرهای کمکی، کاهش تفاوت بین میانگین دو گروه به منظور برآورد ATC را تایید می کنند.

اطمینان از توازن مناسب متغیرهای کمکی، امکان برآورد اثرات درمانی را فراهم می سازد. جدول ۲ نتایج حاصل از برآورد این اثرات مستقیم و غیرمستقیم را نشان می دهد. در این جدول رفتار بنگاه های دو گروه در سال ۸۶ که سال دریافت این اعتبارات بوده از طریق متغیرهای سطح اشتغال، سودآوری، موجودی سرمایه و هزینه واسطه بنگاه ها (متغیرهای مورد علاقه) مورد بررسی قرار گرفته است. اولین متغیر در این جدول متغیر اشتغال می باشد. اثرات مستقیم اعتبارات بنگاه های زودبازده برای متغیر اشتغال، به صورت افزایش اشتغال به میزان ۰/۰۹ سال و یا به طور تقریب حدود ۱ ماه - کارگر در بنگاه های گروه درمان می باشد. به عبارت دیگر این اعتبارات اشتغال در میان بنگاه های دریافت کننده این اعتبارات را نسبت به بنگاه های مشابه در گروه کنترل به میزان ۱ ماه - کارگر افزایش داده است. اما همچنان که جدول ۲ نیز این مساله را نشان می دهد، این افزایش اشتغال در گروه درمان از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد. همچنین نتایج حاصل از بررسی اثرات غیرمستقیم نیز، بیانگر آن است که اعتبارات بنگاه های زودبازده اشتغال در میان بنگاه های گروه کنترل را به صورت غیر مستقیم به میزان ۰/۰۸ سال و یا به عبارت دیگر حدود ۱ ماه - کارگر افزایش داده است. اما این افزایش در اشتغال در بنگاه های گروه کنترل نیز همانند گروه درمان از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد. با وجود عدم معنی داری اثرات مستقیم و غیرمستقیم، نتایج نشان دهنده آن است که اشتغال تعهد شده توسط بنگاه های گروه درمان در این بخش به طور کامل محقق شده است. به عبارت دیگر بنگاه های گروه درمان در این فعالیت بنگاه های بودند که قبل از دریافت وام مشغول به فعالیت نبوده اند و با دریافت وام تاسیس و شروع به فعالیت نموده و اشتغال جدید در این بخش ایجاد نموده اند. به طوری که اشتغال جدید ایجاد شده توسط این بنگاه ها معادل اشتغال تعهد شده توسط آن ها بوده است. بنابراین می توان گفت ۱۰۰ درصد اشتغال تعهد شده توسط این بنگاه ها در اولین سال فعالیت آن ها به طور کامل محقق شده است و در صورتی که متغیر اشتغال در گروه درمان و کنترل معنی دار می شد، این اشتغال ایجاد شده، مازاد اشتغال تعهد شده توسط این بنگاه ها در نخستین سال از فعالیت آن ها می بود. به عبارت دیگر، نتایج نشان دهنده آن است که طرح اعتبارات بنگاه های زودبازده در کوتاه مدت توانسته است به اهداف خود در زمینه اشتغال در گروه درمان دست پیدا کند و اهداف پیش بینی شده در این زمینه به طور کامل محقق سازد.

قبل از بررسی متغیر موجودی سرمایه در فعالیت دام، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. اولین نکته به تعریف موجودی سرمایه در این فعالیت بر می‌گردد. از آن جا که مبلغ وام پرداختی در بخش دام پایین بوده، قسمت قابل توجهی از آن پس از دریافت صرف خرید دام و مقدار کمی از آن صرف خرید وسایل و سایر تجهیزات مورد نیاز جهت تولید شده است. بنابراین قسمت قابل توجهی از موجودی سرمایه در این بخش را تعداد دام تشکیل می‌دهد. دومین نکته به کاهش موجودی سرمایه در فعالیت دام در هر دو گروه درمان و کنترل در پایان سال ۸۶ مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، موجودی سرمایه در هر دو گروه از این بنگاه‌ها در پایان سال ۸۶، نسبت به ابتدای این سال به علت شرایط بد اقتصادی کاهش داشته است. با ذکر این دو نکته به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم اعتبارات بنگاه‌های زودبازده بر متغیر موجودی سرمایه در فعالیت دام می‌پردازیم. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد موجودی سرمایه در پایان سال ۸۶ در بنگاه‌های گروه درمان نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد. به طوری که کاهش در موجودی سرمایه در بنگاه‌های گروه درمان به طور متوسط ۱۲۳۷۵۰۰ تومان بیشتر از بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل بوده است. آماره t نیز این کاهش در موجودی سرمایه در گروه درمان را از لحاظ آماری تایید می‌کند. به عبارت دیگر، از آن جا که بنگاه‌های موجود در گروه درمان بنگاه‌های تازه تاسیس بودند، خرید دام و تجهیزات از طرف آن‌ها پس از دریافت اعتبارات در سال ۸۶، به سرمایه‌گذاری جدید در فعالیت دام منجر و موجودی سرمایه در فعالیت دام را در سال مورد نظر افزایش داده است. با این وجود نیاز شدید مالی بنگاه‌های گروه درمان جهت باز پرداخت اقساط وام در انتهای سال باعث کاهش تعداد دام^۱ در این گروه از بنگاه‌ها شده است. چرا که شرایط نامساعد بازار دام در اواسط سال ۸۶، به سودآوری پایین این فعالیت نسبت به فعالیت‌های دیگر اقتصادی منجر شده بود و بنگاه‌های گروه درمان نیز از توانایی مالی پایینی جهت پرداخت اصل و بهره وام برخوردار بودند. علاوه بر نیاز مالی شدید بنگاه‌های گروه درمان جهت باز پرداخت اقساط وام، عدم تجربه کافی دامداران این گروه در برخورد با این شرایط نامساعد خروج سرمایه از این فعالیت به بخش‌های دیگر اقتصادی از جمله زمین و مسکن را تشدید و بر شدت خروج سرمایه از این بخش به بخش‌های دیگر اقتصادی افزوده است. در نتیجه موجودی سرمایه در این گروه از بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل بیشتر کاهش یافته است. به طوری که در پایان سال اول، به طور متوسط بنگاه‌های این گروه با ۲۵ درصد کاهش در موجودی سرمایه نسبت به ابتدای سال مواجه بوده و این در حالی است که بنگاه‌های گروه کنترل تنها با ۱۰ درصد کاهش در موجودی

مطابق با www.SID.ir کاهش تعداد دام، در حقیقت آن بخش از دام که جزو موجودی سرمایه و جهت تولید درآمد سالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌باشد و دام‌پروری که جهت فروش سالانه توسط دامدار نگهداری می‌شود را شامل نمی‌شود.

سرمایه مواجه بوده‌اند. از طرف دیگر بررسی اثرات غیرمستقیم برای گروه کنترل نیز، حکایت از کاهش موجودی سرمایه در این گروه از بنگاه‌ها به میزان ۴۲۶۳۸۹ تومان دارد. این کاهش در موجودی سرمایه در گروه کنترل در پایان سال اول از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. دلیل اصلی این امر را می‌توان افزایش تقاضا برای خرید دام غیرپروراری توسط بنگاه‌های گروه درمان پس از دریافت این اعتبارات دانست. در حقیقت بنگاه‌های گروه درمان پس از دریافت وام اقدام به افزایش تقاضا و در نتیجه خرید دام نموده‌اند. از آن جا که این تقاضا از سوی بنگاه‌های گروه کنترل تامین شده است و تعداد دام نیز در واحد زمان ثابت بوده، موجودی سرمایه در گروه کنترل تا حدودی کاهش یافته است.

همان‌گونه که در قسمت قبل اشاره شد؛ بنگاه‌های دو گروه در پایان سال مالی ۸۶ با کاهش در موجودی سرمایه مواجه بوده و قسمت مهمی از این کاهش در موجودی سرمایه به علت کاهش تعداد دام بوده است. این کاهش تعداد دام در دو گروه علت‌های مختلفی داشته که به بخشی از آن‌ها در قسمت قبل اشاره شد. اما یکی از دلایل مهم دیگر این کاهش در موجودی سرمایه را می‌توان تامین نیاز غذایی دام‌های باقی مانده بیان نمود. به عبارت دیگر، با افزایش قیمت مواد غذایی دام و کاهش قیمت شیر در سال مورد نظر دامداران چاره‌ای جز فروش بخشی از دام خود جهت خرید مواد غذایی برای دام‌های باقی مانده را نداشتند. اما فروش دام در گروه درمان علاوه بر خرید مواد غذایی برای دام‌های باقی مانده و پرداخت اصل و بهره وام دریافتی جهت کاهش هزینه واسطه آن‌ها نیز بوده است. به عبارت دیگر این گروه از بنگاه‌ها به علت محدودیت مالی، علاوه بر این که دام‌های پروراری خود را که در مرحله رشد بوده و هنوز به مرحله فروش نرسیده بودند کاهش دادند، بلکه برای باز پرداخت وام و همچنین کاهش در هزینه واسطه خود، آن بخش از دام (دام‌های ماده غیرپروراری) که موجودی سرمایه آن‌ها بوده و می‌توانست جهت تولید درآمد سالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد را نیز کاهش دادند. این مساله در جدول ۲ به خوبی نشان داده شده است. همان‌گونه که نتایج این جدول نشان می‌دهد، بنگاه‌های موجود در گروه درمان به طور متوسط با ۸۴۶۱۰۴ تومان کاهش در هزینه واسطه نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل مواجه بوده‌اند. این کاهش در هزینه واسطه در این گروه از بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل از لحاظ آماری معنی‌دار و بنابراین تایید شده است. به عبارت دیگر همان‌طور که در قسمت قبل نیز به آن اشاره شد، کاهش بیشتر تعداد دام در گروه درمان (کاهش در دام‌های غیرپروراری و پروراری که هنوز در مرحله رشد بوده و آماده فروش نبوده‌اند) نه تنها توانایی آن‌ها را برای باز پرداخت وام و خرید مواد غذایی برای دام‌های باقیمانده افزایش داده، بلکه هزینه واسطه آن‌ها را نیز نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل کاهش داده است. از طرف دیگر همان‌گونه

که نتایج نشان می‌دهد، اعطای اعتبارات بنگاه‌های زودبازده به صورت غیر مستقیم سبب کاهش در هزینه واسطه بنگاه‌های گروه کنترل شده است. به طوری که هزینه واسطه در میان بنگاه‌های گروه کنترل به طور متوسط به میزان ۴۵۲۵۰۰ کاهش یافته است. این موضوع را می‌توان با افزایش تقاضای دام توسط بنگاه‌های گروه درمان پس از دریافت اعتبارات مرتبط دانست. این افزایش تقاضا اگرچه باعث کاهش تعداد دام و در نتیجه کاهش موجودی سرمایه در گروه کنترل شده اما اثرات مفیدی نیز برای این گروه از بنگاه‌ها داشته است. به عبارت دیگر این افزایش تقاضا، با کاهش تعداد دام، هزینه واسطه بنگاه‌های گروه کنترل را به صورت مستقیم کاهش داده است. از طرف دیگر شرایط مالی بنگاه‌های گروه کنترل را جهت خرید مواد اولیه در اوایل سال افزایش داده است. به گونه‌ای که بنگاه‌های گروه کنترل توانستند مواد غذایی مورد نیاز دام خود را به صورت یک‌جا و به قیمت پائین‌تر در ابتدای سال که قیمت نهاده‌ها بسیار پایین‌تر بوده خریداری نموده و بنابراین هزینه واسطه آن‌ها به طور غیرمستقیم نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه درمان کاهش یافته است. همچنین بررسی اطلاعات مربوط به متغیر سود در هر دو گروه از بنگاه‌ها نشان دهنده آن است که هر دو گروه با افزایش سود در دوره مذکور مواجه بوده‌اند. به طوری که اثرات مستقیم، بیانگر افزایش سود در بنگاه‌های گروه درمان به طور متوسط به میزان ۱۲۶۳۴۹۷ تومان نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل و همچنین اثرات غیرمستقیم نیز بیانگر افزایش در سودآوری بنگاه‌های گروه کنترل به طور متوسط به میزان ۵۲۹۷۶۹ تومان می‌باشد. این افزایش در سود در هر دو گروه از بنگاه‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار و بنابراین تایید شده است. افزایش قیمت مواد غذایی دام از یک سو و کاهش قیمت شیر در سال مورد نظر از سوی دیگر اثر منفی بر سودآوری دامداران در این بخش داشته است. اما همان‌طور که در قسمت‌های قبل نیز به این مساله اشاره شد از آن‌جا که بنگاه‌های گروه درمان مجبور به بازپرداخت اصل و بهره وام دریافتی در پایان سال مالی مورد نظر بوده‌اند. باید این کاهش در سودآوری را جبران می‌نمودند. بنابراین بخشی از دام خود را کاهش دادند. به طوری که تعداد دام پروراری و دام غیرپروراری (بخشی از موجودی سرمایه) در پایان سال مورد نظر در این گروه از بنگاه‌ها کاهش یافته است. کاهش دام‌های پروراری که جزئی از درآمد سالانه بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهد، اگر چه تا حدودی سبب افزایش سودآوری در این گروه از بنگاه‌ها شده است، اما نتوانسته سود مورد نظر بنگاه‌ها را جهت پرداخت اصل و بهره وام دریافتی و همچنین تامین مخارج زندگی سالانه دامدار تامین نماید. بنابراین بنگاه‌های گروه درمان، به منظور جبران این کاهش در سودآوری، به ناچار بخشی از دام غیرپروراری را که موجودی سرمایه آن‌ها را تشکیل می‌دهد است کاهش دادند. از طرف دیگر، افزایش سود در گروه کنترل را نیز می‌توان ناشی از افزایش تقاضا برای خرید دام از سوی بنگاه‌های گروه درمان پس از دریافت این اعتبارات دانست.

در حقیقت بنگاه‌های گروه درمان پس از دریافت وام اقدام به افزایش تقاضا و در نتیجه خرید دام نموده‌اند که در حقیقت این دام خریداری شده بخشی از دام غیرپروراری (موجودی سرمایه) بنگاه‌های موجود در گروه کنترل را تشکیل می‌دهد. این امر سبب افزایش دسترسی این گروه از بنگاه‌ها به نقدینگی و در نتیجه خرید نهاده‌ها به قیمت پایین‌تر و در نتیجه کاهش هزینه واسطه و بنابراین افزایش سودآوری این گروه از بنگاه‌ها شده است.

نکته مهم درباره بنگاه‌های دریافت کننده اعتبارات زودبازده بررسی رفتار بلندمدت آن‌ها و یا به عبارت دیگر بررسی رفتار این گروه از بنگاه‌ها در سال‌های بعد از دریافت این اعتبارات می‌باشد. جهت رسیدن به این منظور بعد از بررسی رفتار این گروه از بنگاه‌ها در سال دریافت اعتبارات، اقدام به بررسی رفتار آن‌ها طی دوره ۸۸-۸۶ شده است. جدول ۳، نتایج حاصل از این بررسی را نشان می‌دهد. در این جدول متغیرهای رشد اشتغال، رشد موجودی سرمایه و رشد سودآوری بنگاه‌ها به عنوان معیارهای بررسی رفتار بلندمدت بنگاه‌ها و یا در اصطلاح روش جورسازی به عنوان متغیرهای مورد علاقه در نظر گرفته شده‌اند. همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، بنگاه‌های گروه درمان و یا به عبارت دیگر، بنگاه‌هایی که از اعتبارات زودبازده استفاده نموده‌اند، طی دوره مذکور با کاهش رشد اشتغال و رشد موجودی سرمایه به ترتیب به میزان $10/6\%$ و $11/47\%$ درصد نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل مواجه بوده‌اند. این کاهش رشد اشتغال و رشد موجودی سرمایه در این گروه از بنگاه‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بنگاه‌های گروه درمان طی دوره ۸۸-۸۶ نیز همواره با کاهش در موجودی سرمایه مواجه بوده‌اند. البته همان‌طور که علامت منفی متغیر موجودی سرمایه نشان می‌دهد و قبلاً نیز به آن اشاره شد، بنگاه‌های گروه کنترل نیز طی دوره مذکور با چنین شرایطی مواجه بوده‌اند و موجودی سرمایه در آن‌ها کاهش یافته است. اما این کاهش، در بنگاه‌های گروه درمان به نسبت بیشتر از بنگاه‌های گروه کنترل بوده است. به طوری که این مساله سبب کاهش بیشتر در موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار در این گروه از بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل شده است. این کاهش در موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار در حقیقت عاملی برای تعدیل نیروی کار در هر دو گروه از بنگاه‌ها بوده و نیروی کار را در هر دو گروه از این بنگاه‌ها کاهش داده است. اما از آن جایی که کاهش در موجودی سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار در میان بنگاه‌های گروه درمان بیشتر از بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل بوده است، اشتغال در این گروه از بنگاه‌ها طی دوره مذکور به میزان $10/6\%$ درصد بیشتر از بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل کاهش یافته است. همچنین بررسی سودآوری در میان بنگاه‌های گروه درمان طی دوره مذکور نشان می‌دهد بنگاه‌های گروه درمان نسبت به بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل از سودآوری بالاتری برخوردار بوده‌اند. به طوری که رشد

سودآوری در این گروه از بنگاه‌ها به طور متوسط ۸/۸ درصد بالاتر از بنگاه‌های مشابه در گروه کنترل بوده است. این افزایش رشد سودآوری میان بنگاه‌های گروه درمان از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. دلیل اصلی این امر طی این دوره نیز همانند دوره کوتاه‌مدت کاهش موجودی سرمایه در گروه درمان می‌باشد. به عبارت دیگر با توجه به تداوم شرایط نامساعد بازار دام، پایین بودن قیمت شیر و افزایش هزینه مواد اولیه فروش دام‌های پروراری طی این دوره همانند دوره کوتاه‌مدت نتوانسته است سود مورد نظر بنگاه‌های گروه درمان را جهت پرداخت اصل و بهره وام دریافتی و همچنین تامین مخارج زندگی سالانه صاحبان بنگاه‌های این گروه تامین نماید. بنابراین بنگاه‌های این گروه برای تحقق این امر، بخشی از دام‌های غیرپروراری خود را که در حقیقت موجودی سرمایه آن‌ها را تشکیل می‌داده است کاهش داده‌اند. به عبارت دیگر در بلندمدت نیز همانند دوره کوتاه‌مدت، کاهش بیشتر در موجودی سرمایه بنگاه‌های گروه درمان نسبت به بنگاه‌های مشابه گروه کنترل، منجر به سودآوری بیشتر این گروه از بنگاه‌ها نسبت به بنگاه‌های مشابه گروه کنترل شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طرح اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در صنعت دامپروری توانسته است در کوتاه‌مدت به اهداف خود در زمینه اشتغال دست یابد و اهداف پیش بینی شده در این زمینه را محقق سازد. ولی اهداف مربوط به اشتغال، در بلندمدت پایدار نبوده و میزان موجودی سرمایه در این بنگاه‌ها طی این دوره به شدت کاهش یافته است. به طوری که بنگاه‌های دریافت کننده اعتبارات در این بخش با کاهش رشد اشتغال و رشد موجودی سرمایه به ترتیب به طور متوسط به میزان ۱۰/۶ و ۱۱/۴۷ درصد بیشتر از دیگر بنگاه‌های فعال در این صنعت مواجه بوده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- ۱- پرداخت هر گونه اعتبارات زودبازده در این بخش همانند صنعت زنبورداری با حمایت‌های آتی از این بنگاه‌ها همراه باشد. به عبارت دیگر تنها اتکاء به پرداخت اعتبارات طی یک دوره خاص نمی‌تواند مشکلات این بخش را حل نماید.
- ۲- اعتبارات تنها یکی از نهاده‌های اصلی تولید است و تسهیل آن به تنهایی مشکلات دامداران را حل نمی‌کند و لازم است به مشکلات این بخش به صورت یک زنجیره به هم پیوسته نگاه شود.

سودآوری پائین و عدم ثبات در بازار نهاده و محصول، عامل مهم تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های به بهره‌برداری رسیده در این بخش بوده است. با توجه به این موضوع که علت اصلی نوسانات در بازار نهاده طی سال‌های اخیر بحران خشکسالی در کشور بوده، سیاست‌های قیمتی

نمی‌توانند با تشویق به افزایش تولید به رفع این مشکل و ایجاد ثبات در بازار نهاده کمک نمایند. بنابراین استفاده از سیاست‌های تعرفه‌ای، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر با توجه به این که بخشی از نهاده‌های مورد استفاده در این صنعت وارداتی می‌باشد، پائین نگه داشتن نرخ تعرفه نهاده‌های وارداتی می‌تواند کمبود ناشی از خشکسالی را جبران نموده و نقش مهمی در ثبات این بازار ایفا نماید. همچنین جهت ایجاد ثبات در بازار محصول تولیدی این صنایع نیز می‌توان از ترکیبی از سیاست‌های قیمتی، درآمدی و تعرفه‌ای استفاده نمود. در سطح منطقه‌ای نیز حمایت از ایجاد و توسعه تعاونی‌های تولیدی با توجه به تجربه سایر کشورها مفید به نظر می‌رسد. به طوری که این تعاونی‌ها محصولات اعضا را به قیمت مناسب خریداری نموده و نهاده‌های مورد نیازشان را نیز تأمین نمایند.

بررسی روند کاهش موجودی سرمایه در طرح‌های دریافت‌کننده اعتبارات در صنعت دامپروری نشان می‌دهد، پرداخت اصل و بهره وام دریافتی به همراه نوسانات اقتصادی عوامل اصلی کاهش موجودی سرمایه در این بخش بوده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در اعطای اعتبارات به نحوه بازپرداخت آن و همچنین نوسانات اقتصادی پیش بینی نشده دوره آتی توجه گردد. به عبارت دیگر، نحوه بازپرداخت باید به گونه‌ای تعیین شود که بنگاه‌های تازه تأسیس دارای دوره تنفس مناسب باشند. به طوری که فعالان این صنعت تا حدودی به خودکفایی مالی رسیده و از نقدینگی کافی برای بازپرداخت تسهیلات برخوردار باشند. همچنین جهت مبارزه با نوسانات پیش بینی نشده آتی، بیمه می‌تواند نقش مهمی ایفا نماید.

References:

1. Aivazian, V.A. and Santor, E. 2008. Financial Constraints and Investment: Assessing the Impact of a World Bank credit program on Small and Medium Enterprises in Sri Lanka. *Canadian Journal of Economics*, 41: 475-500.
2. Bakhteari, S. and Pasban, F. 2004. The role of bank credit in Development of Career opportunities: A Case Study of Agricultural Bank of Iran. *Agricultural Economics and Development*, 12(46): 73-105. (In Persian)
3. Brown, J. D., J.S. Earle and Lup, D. 2005. What Makes Small Firms Grow? Finance, Human Capital, Technical Assistance, and the Business Environment in Romania. *Economic Development and Cultural Change*, 54: 33-70.
4. Burgess, R. and Pande, R. 2002. Do Rural Banks Matter? Evidence from the Indian Social Banking Experiment. *American Economic Review*, 95(3): 780-795.
5. Central Bank of Iran. 2007. Report regulatory central bank from performance of Early Returns Firms. (In Persian)
6. Dehejia, R. H. and Wahba, S. 2002. Propensity Score-Matching Methods for Nonexperimental Causal Studies. *The Review of Economics and Statistics*, 84(1): 151-161.
7. Dehghan Dehnavi, M.A. 2006. Position the small and medium enterprises in development employment and exports. *Magazine Economics and Development*. No. 12-16. (In Persian)
8. Divandari, A., M.R Zali and Colobandi, M.M. 2009. Evaluation of effectiveness the early return projects. *Magazine work and society*, 109: 4-15. (In Persian)
9. Edraki, M. 2007. Development Bank of Small and Medium Enterprise Economic of Iran's. *Journal of Roshd -e- Fanavari*, 12(3): 26-33. (In Persian)
10. Feizhpour, M.A. and Poushdozbashi, H. 2008. Small and medium enterprises with the rapid growth and their share in job creation: the study production industries of Iran in the second development plan. *Iranian Journal of Economic Research*, 12(37): 119-145. (In Persian)
11. Khavehfiroz, A. and Iranneghad, M.R. 2009. The Examine of Effectiveness of the plan pay credits to small businesses, and

- Entrepreneur. Journal of evaluation Knowledge, 1:328-342. (In Persian)
12. Office of Economic Studies of Islamic council parliament. 2009. The Report examines of Statistical project of evaluation performance the regulation establishment of Early Returns economic Firms. (In Persian)
 13. Petrick, M. 2004. Farm Investment, Credit Rationing, and Governmentally Promoted Credit Access in Poland: a Cross-Sectional Analysis. *Food Policy*, 29: 275–294.
 14. Rosenbaum, P.R. and Rubin, D.B. 1983. The Central Role of the Propensity Score in Observational Studies for Causal Effects. *Biometrika*, 70(1): 41–55.
 15. Rubin, D.B. 1974. Estimating Causal Effects of Treatments in Randomized and Nonrandomized Studies. *Journal of Educational Psychology*, 66: 688–701.
 16. Rubin, D.B. 1977. Assignment to a Treatment Group on the Basis of a Covariate. *Journal of Educational Statistics*, 2: 1–26.
 17. Rubin, D.B. 1978. Bayesian Inference for Causal Effects: The Role of Randomization. *The Annals of Statistics*, 6(1):34–58.
 18. Rubin, D.B. 1990. Comment: Neyman (1923) and Causal Inference in Experiments and observational Studies. *Statistical Science*, 5(4): 472–480.
 19. Yaghoubi, J. 2005. Examine Effects of micro-credit on women's employment rural in Zanzan province. *Journal of Women in Development and Policy*, 1: 125-146. (In Persian).

پیوست‌ها:

جدول ۱- نتایج حاصل از بررسی توازن متغیرهای کمکی به منظور برآورد اثرات درمانی در فعالیت دام

بعد از جورسازی		قبل از جورسازی		متغیرها		اثرات درمانی			
S.diff	T-Test (p-value)	میانگین گروه درمان	میانگین گروه کنترل	S.diff	T-Test (p-value)	میانگین گروه درمان	میانگین گروه کنترل		
۶/۰۲	۰/۴۱۹	۸/۸	۸/۷	۱۸/۴۶	۰/۴۳۸	۸/۸	۷/۳	RAC	ATT
۲/۴۶	۰/۲۸۶	۷۵۴۳۷۵۰	۷۵۰۰۰۰۰	۲۸/۵	۰/۳۳۲	۷۵۴۳۷۵۰	۷۰۳۳۵۰۰	CAL	CAL
۵/۸	۰/۴۵۶	۷/۵	۷/۳	۱۸/۴۶	۰/۴۳۸	۸/۸	۷/۳	RAC	ATC
۳/۶۷	۰/۴۲۰	۷۱۰۴۱۶۷	۷۰۳۳۵۰۰	۲۸/۵	۰/۳۳۲	۷۵۴۳۷۵۰	۷۰۳۳۵۰۰	CAL	CAL

جدول ۲- نتایج حاصل از برآورد تاثیرات درمانی در فعالیت دامپروری

ATT		ATT		اصطلاحات	متغیرها
T-Test	ضرایب	T-Test	ضرایب		
۰/۸۷	۰/۰۸	۰/۵۱	۰/۰۹	سطح اشتغال (سالانه)	LAB
۱/۷۱***	-۴۲۶۳۸۹	۱/۶۷***	-۱۲۳۷۵۰۰	موجودی سرمایه (تومان)	CAS
-۴/۶۳*	-۴۵۲۵۰۰	-۵/۴۴*	-۸۴۶۱۰۴	هزینه واسطه (تومان)	INCO
۳/۹۵*	۵۲۹۷۶۹	۵/۰۴*	۱۲۶۳۴۹۷	سودآوری (تومان)	PROF

ماخذ: یافته‌های تحقیق * معنی داری در سطح ۱ درصد *** معنی داری در سطح ۱۰ درصد

جدول ۳- نتایج حاصل از برآورد تاثیرات درمانی

ATT		اصطلاحات	متغیرها
T-Test	ضرایب		
-۱/۷۲***	-۱۰/۶	رشد اشتغال (به درصد)	%LAB
-۲/۱۴**	-۱۱/۴۷	رشد موجودی سرمایه (به درصد)	%CAS
۱/۹۶***	۸/۸	رشد سودآوری (به درصد)	%PROF

ماخذ: یافته‌های تحقیق * معنی داری در سطح ۵ درصد *** معنی داری در سطح ۱۰ درصد